

تدوین مدل زمینه- مبنای آرامش در آپارتمان‌های مسکونی معاصر ارومیه^۱

فرنوش مینوئی*، منوچهر فروتن**، محمدمهدی سروش***، آزاده آقالطیفی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۷/۲۴

چکیده

زندگی پر اضطراب و کمبود آرامش در جامعه معاصر، مشکلی جدی برای زندگی انسان‌ها است. پژوهش‌های روان‌شناسی محیطی نشان داده‌اند که محیط‌های کالبدی و معماری نقش مهمی در این بین دارند و از آنجا که خانه یکی از مهم‌ترین محیط‌هاست، تلاش دارند راهکارهایی پیشنهاد دهند. این پژوهش تلاش دارد به شناسایی عواملی که نقش مؤثری بر ایجاد آرامش در آپارتمان‌های شهری دارند بپردازد. این پژوهش برای شناخت عوامل تأثیرگذار بر آرامش انسان، رویکردی کیفی اتخاذ نموده و تلاش می‌کند تا با ایجاد ارتباط میان مفاهیم مرتبط در حوزه آرامش و محیط کالبدی معماری آپارتمان‌ها، به نوعی از نظریه با صورت بندی «فرآیند علی» نزدیک گردد و ساز و کار مفهوم آرامش محیطی را تبیین نماید. یافتن این مفاهیم به کمک انجام مصاحبه‌ها و نیز کنکاش در متون مرتبط و تحلیل کیفی محتوای آنها به کمک روش «نظریه زمینه‌ای» ممکن گردیده است. پس از کشف مفاهیم، چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر بر مبنای تحلیل کیفی داده‌ها شناخته شده و با ایجاد ارتباط منطقی میان این مفاهیم، مدل زمینه-مبنای آرامش در خانه‌های آپارتمانی معاصر ارومیه ارائه می‌گردد. مطابق نتایج این پژوهش، شرایط مؤثر بر شکل‌گیری پدیده اصلی «سکونت در خانه»، تابع شرایط علی، زمینه ای و تعاملی از قبیل امنیت فیزیکی، امنیت روانی، امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، راحتی، خلوت، آسایش کالبدی، امنیت شنیداری، دلبستگی به مکان، غنای حسی، ارتباط با طبیعت، پیامدهایی چون آرامش کالبدی (آسایش)، آرامش اجتماعی، آرامش روانی و آرامش معنوی را به دنبال خواهد داشت. این پژوهش می‌تواند به عنوان یک پژوهش پایه، مبنایی برای انجام پژوهش‌های کاربردی به منظور ارائه راهکارهایی برای ارتقای آرامش در آپارتمان در حوزه‌های مختلف و از جمله معماری و شهرسازی باشد.

واژگان کلیدی

خانه آپارتمانی معاصر، ارومیه، آرامش محیطی، مدل زمینه-مبنا، فرآیند علی، نظریه زمینه‌ای.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «مدل ارزیابی آرامش در خانه‌های شهری معاصر آذربایجان» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است.

f.minooui@iaurmia.ac.ir

m.foroutan@iauh.ac.ir

soroush@iauh.ac.ir

a_ghalatifi@sbu.ac.ir

* گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

** استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

*** استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

**** استادیار گروه معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

"آرامش به حالتی روانشناختی اطلاق می‌شود که با صلح، سکوت، ملایمت و تفکر درباره‌ی خود مرتبط است" (Kaplan & Kaplan, 1989). آرامش گرچه در ماهیت، ذهنی است، اما این تجربه بشر را می‌توان بصورت عینی از طریق ارتباط موثر بین قشر بینایی و شنوایی و قشر جلویی مغز با استفاده از تکنیک‌های تصویربرداری عصبی مشاهده کرد (Hunter et al., 2010). اینچنین تعاملاتی زمانی که شخص در «محیط‌های آرام بخش» مثل محیطی با صداهای طبیعی آب، باد، صدای پرندگان (مولفه‌های شنوایی) و ویژگی‌های طبیعی همچون گیاهان، حیوانات، پرندگان و همچنین ویژگی‌های جغرافیایی و هیدرولوژیکی چیره شده‌اند (مولفه‌های بصری)، تحریک می‌شوند (Watts et al., 2011). برعکس، در جاهایی با سر و صدای انسانها، این چنین تعاملاتی در سطح کم تری هستند (Watts & Pheasant, 2013). در نتیجه، ساختار اولیه یک فضای آرام بخش، اطلاعات حسی دریافت شده با روشهای بینایی و شنوایی است (Watts & Marafa, 2017). اکنون در دنیای معاصر انگاره‌های مادی بر تمام وجوه زندگی انسان غالب شده است. تنزل زندگی انسانی تا حد نیازهای جسمانی، از بین رفتن حس تعلق، جدایی افراد از یکدیگر، کمبود تعاملات اجتماعی، عدم وجود آرامش و بسیاری موارد دیگر، نشانه‌های زندگی امروزین است. این همان چیزی است که اندیشمندان معاصر بارها به آن تاکید کرده‌اند (آقا لطفی، ۱۳۹۱: ۳)، آرامش یکی از مفاهیمی است که در عرصه‌های مختلف زندگی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند. متأسفانه معماری معاصر برای این مهم اهمیت زیادی قائل نشده است. به خصوص در خانه‌های آپارتمانی بیشتر با مشکل عدم وجود آرامش روبرو هستیم و همان طور که در مصاحبه‌ها بررسی شد رفته رفته نارضایتی مردم بیشتر و بیشتر می‌شود لذا بررسی این مفهوم ارزشمند و ارائه مدل مفهومی، ضرورت انجام این تحقیق می‌باشد. در واقع این پژوهش با هدف ارتقای کیفیت زندگی در خانه، تلاش بر درک مفهوم آرامش و ارائه مدل زمینه-مبنای آرامش در خانه‌های معاصر را دارد. لذا برای دستیابی به هدف ذکر شده، در پی یافتن پاسخ پرسش‌های زیر در بستر خانه‌های آپارتمانی معاصر ارومیه می‌باشد: پرسش اصلی: آرامش را در آپارتمان‌های شهری معاصر ارومیه چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

مبانی نظری پژوهش

متخصصان مختلفی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به تاثیر ویژگی‌های معماری، محیطی و شهری در ایجاد آرامش اشاره کرده‌اند، ولی دسته بندی این ویژگی‌ها بر اساس نوع محیط، نوع نیازهای انسانی و همچنین مفاهیم مستخرج از تحلیل متون مرتبط با مفهوم آرامش از نیازهای اساسی این پژوهش است لذا در این بخش، هدف اصلی، ارائه مدل مفهومی رابطه میان مفهوم آرامش با مفاهیم مرتبط در محیط‌های مختلف (فیزیکی، روانی، اجتماعی، معنوی) و نشان دادن ارتباط این مفاهیم با ویژگی‌های محیطی، معماری و شهرسازی در جهت ارتقاء کیفیت طراحی می‌باشد.

بر مبنای چهارچوب مفهومی به دست آمده (Minooei et al., 2020)، دو دسته بندی اصلی وجود دارد، اولی نیازهای بشر و محیط که نقش مهمی در ارزیابی آرامش دارد. به زبان ساده، آرامش مفهومی پیچیده است که شامل ارتباط بین نیازهای بشر و ویژگی‌های محیط است. در این چهارچوب (نمودار ۱)، همه انواع محیط‌های فیزیکی، اجتماعی، روانشناسی و معنوی، ارتباط متقابل با آرامش دارند و برعکس. سه عامل اول تقریباً تأثیرات کوتاه مدتی بر روی آرامش دارند در حالی که محیط معنوی، تأثیرات طولانی‌تر و دائمی‌تری دارد. دسته اصلی دیگر در این مدل، می‌تواند نیازهای انسان باشد که شامل خود شکوفایی، عشق به خود، دیگران و کل جهان، احترام، نیازهای اجتماعی، امنیتی و فیزیکی باشد. عشق و تعلق به خود، دیگران و کل جهان در میان این نیازها در درجه اول بوده و با نفس مطمئنه که در قرآن کریم از آن یاد شده، مرتبط است. گفته می‌شود وقتی بشر به سطح نفس مطمئنه می‌رسد، دردهای خود را پشت سر گذاشته و خشنودتر و مطمئن تر می‌شود. در چنین موردی، انسان وقتی به مرحله نفس مطمئنه می‌رسد از مرحله حزن و خوف گذشته و اطمینان و رضامندی بر او غلبه می‌کند. او در مقابل مصائب و شادمانیها حالتی واحد دارد. او در کل هستی به رضامندی رسیده است. در نظر و عمل او هر چه از دوست رسد، نیکو می‌شود و یا به بیان دیگر از میان درد و درمان و وصل و هجران آنچه را که جانان می‌پسندد او می‌پسندد. و از این رو خداوند حلقه ای بر گردن او می‌افکند و به آنجایی می‌کشد که خاطر خواه اوست و او راضی بدوست. بدین ترتیب این مرحله، مرحله اطمینان، رضامندی و نهایت آرامش است (احمدی، ۱۳۹۷).

آخرین بخش چارچوب نظری شامل ویژگی‌های محیطی، معماری و شهری می‌شود که بر آرامش به طرق مختلف تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، این عوامل با انواع مختلف محیط‌ها مرتبط است. انسان‌ها در مکان‌های مقدس و محیط‌هایی که دارای روح مکان، وحدت، تناسب، زیبایی و هارمونی هستند آرامش معنوی دارند و ترجیح می‌دهند. ارتباط با طبیعت و استفاده از محیط

طبیعی، تناسب و نظم فضایی همچنین داشتن مکانی شخصی برای خلوت و دل بستگی به مکان در انسان آرامش روانی ایجاد می‌کند. رعایت هنجارهای مشترک و روابط همسایگی در عین احترام به حقوق دیگران، همچنین زندگی در مکان‌های امن و داشتن قلمرو و حریمت فضایی از لحاظ خلوت و فضای شخصی، حریمت دیداری از لحاظ عدم اشرافیت بصری، حریمت شنیداری از لحاظ عدم وجود آلودگی صوتی و حریمت رفتاری از لحاظ عدم ایجاد مزاحمت‌های رفتاری، موجب آرامش اجتماعی در انسان می‌شود. کیفیت طراحی و اجرایی از لحاظ کنترل و رعایت ضوابط و مقررات مهندسی و همچنین مناسب و سازگار با اقلیم و فناوری روز از جهت ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و داشتن قابلیت انعطاف پذیری (تغییر پذیری، تطبیق‌پذیری و تنوع‌پذیری) برای انسان آسایش فیزیکی و در نتیجه آرامش فیزیکی به همراه خواهد داشت.

نیازهای انسانی	آرامش	محیط
خودشکوفایی عشق به خود / دیگران / کل جهان	نفس مطمئنه رضایت / عدم رضایت خوشایند / ناخوشایند صلح / جنگ آگاهی / عدم آگاهی	محیط معنوی
احترام	روانی خلوت / ازدحام طراوت / لبرسودگی کاهنده استرس / افزایش آرامش روانی / تنش اعتماد به نفس / عدم اعتماد به نفس امنیت روانی / بی‌امنیت روانی	محیط روانی
نیازهای اجتماعی	اجتماعی امنیت اجتماعی / نا امنی اجتماعی امنیت ذهنی / نا امنی ذهنی	محیط اجتماعی
نیازهای امنیتی	فیزیکی راحتی / ناراحتی تسهیلات / عدم رفاه ترجمی / استی امنیت فیزیکی / نا امنی فیزیکی	محیط فیزیکی
	انسان	محیط

نمودار ۱- چارچوب نظری آرامش محیطی (۱۳۹۷-۱۳۹۹)

مروری بر پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم آرامش می‌تواند به شکل‌های گوناگون تفسیر شود. در رشته روانشناسی محیطی، محیط‌های آرام بخش، علایق ذهنی ایجاد کرده و در مقایسه با خستگی ذهنی حاصل از توجه پایدار، ترمیمی هستند.

آرامش یک حالت ذهنی است که در یک زمینه حسی ظاهر می‌شود، مثلاً احساس ارتباط بین ورودی‌های حسی و تجربه ذهنی (Kaplan & Kaplan, 1995, 2001; Berto, 2014; Herzog & Barnes, 1999; Ulrich et al., 1991; Hunter et al., 2010). آرامش رابطه مستقیمی با واکنش‌های ترجیحی دارد، هر چند از آن متمایز است (Herzog & Bosely, 1992). در رشته آکوستیک کاربردی، آرامش با نبودن تاثیر آشکار بشر، توسعه شهری، و صدای ترافیک و جاده مرتبط است. اگرچه آرامش ضرورتاً یک تجربه ذهنی است، بیشتر تغییرات در میزان آن با کمی‌سازی ویژگی‌های سمعی و بصری در محیط

قابل توضیح است (Pheasant et al., 2008, 2011; Watts et al., 2011, 2013).

در رشته علوم اجتماعی، چندین مطالعه ارتباط بین مذهب و سایر حالت‌های احساسی مهم همچون تشویش و آرامش را نشان دادند و نتایج آن تحقیقات تا حدی در هم آمیخته بود (Koenig et al., 2001; Shreve-Neiger & Edelstein, 2004; Ellison et al., 2009; Bradley & Don, 1995). در زمینه برنامه ریزی شهری و مناظر، نیز آرامش به طبیعی بودن، دور بودن و یا واکنش‌های احساسی همچون دلپذیری، ملایمت و کنترل مربوط می‌شود. در حقیقت، آرامش بیشتر مربوط به حس دلپذیری و ملایمت مرتبط است تا وحشی‌گری (Watts & Marafa, 2017; Pheasant, 2014; Hewlett et al., 2017). جدول ۱ تفاسیر آرامش توسط محققان مختلف را خلاصه می‌کند.

جدول ۱- مفهوم آرامش

زمینه		محققین	مفاهیم	
محیط معنوی / روانی	روانشناسی محیطی	Kaplan & Kaplan R., 1995, 2001; Berto, 2014; Herzog & Barnes, 1999; Herzog et al., 2011; Ulrich et al., 1991; Hunter et al., 2010; Harvey, 1990 Lefebvre, 1991; Gusnard et al., 2001; Russell & Snodgrass, 1987; Ahmadi, 1975	- خود بازتاب - سلامت روان - علاقه ذهنی - زمینه حسی - حالت روانی - بهبود - موجب کاهش اضطراب - دور از خواسته‌های زندگی	- ترمیم‌کننده - تفریحی - تازه کردن - اعتمادبه‌نفس - دلپذیر - ترجیح - صلح - اطمینان روح
	علوم اجتماعی	Ellison et al., 2009; Koenig et al., 2001; Shreve-Neiger & Edelstein, 2004; Bradley & Don, 1995	- کاهش استرس - عوامل اجتماعی - اعتقاد به زندگی پس از مرگ	- اعتقادات مذهبی - مزایای اقتصادی
محیط فیزیکی / اجتماعی	اکوستیک کاربردی	Watts et al., 2011; Pheasant . et al., 2008; Watts et al., 2008 ;Watts, 2017; Pheasant, Horoshenkov, & Watts, 2010; Watts et al, 2015; Mackrill, Cain., Jennings, 2013; Watts & Pheasant, 2013	- صلح - بی‌سروصدایی - عدم مزاحمت صدا - آرام - سکوت	- سطح پایین سروصدای - ساخته‌شده توسط انسان - مستقل از یک هیجان - بدون نفوذ صدا - جای دست‌نخورده
	برنامه‌ریزی شهری و مناظر	Hewlett et al., 2017; Watts & Pheasant, 2014; Watts, Miah, Pheasant, 2013; Marafa et al., 2013	- مؤلفه‌های زمینه‌ای - مؤلفه‌های زمین‌شناسی - عوامل بیولوژیکی	- مؤلفه‌های فرهنگی - عوامل ایمنی شخصی - محیط‌های طبیعی

روش تحقیق

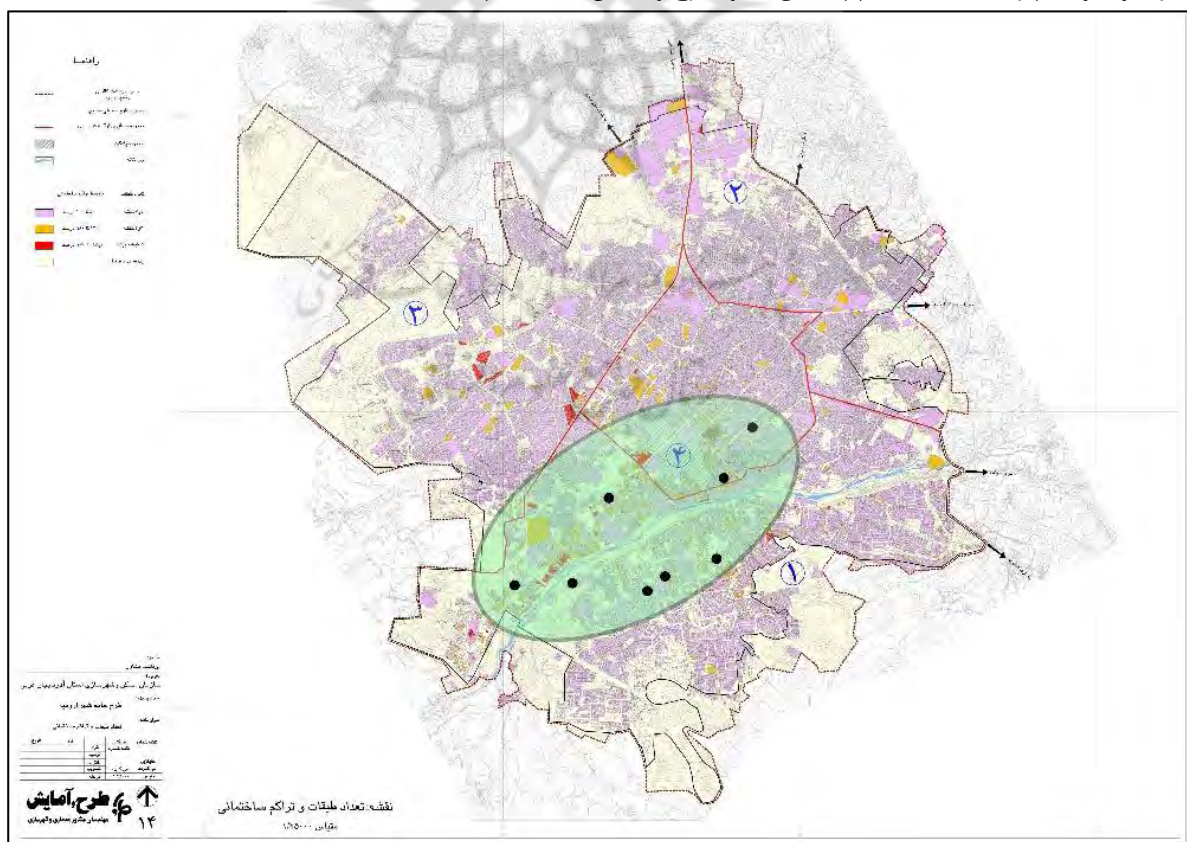
پژوهش بر مبنای سامانه (پارادایم) معرفت‌شناسی تفسیری است و رویکردی کیفی با هدف تبیینی دارد که تلاش می‌کند تا با به‌کارگیری مباحث نظری در زمینه مفهوم خانه و آرامش، به درک بهتر از این موضوع و نیز به ارائه مدل زمینه-مبنای آرامش آپارتمان‌ها بپردازد. این پژوهش دارای چند بخش است. در بخش اول با توجه به پراکنده بودن تئوری‌های موجود، با روش کیفی «نظریه برخاسته از زمینه» به بررسی مبانی نظری تأثیرگذار به ذهنیت آدمی و شناخت ویژگی‌های کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر تأمین آرامش روان انسان پرداخته می‌شود. از آنجایی که انتظار از تحقیق کیفی خلق نظریه است، در بخش دوم که به بررسی تحولات مفاهیم مستخرج و مقایسه نمونه‌هایی از خانه‌های آپارتمانی ارومیه در دوران معاصر می‌پردازد، پژوهش تلاش می‌کند تا با ایجاد ارتباط منطقی میان مفاهیم مرتبط در حوزه آرامش، به نوعی از نظریه با صورت بندی «فرآیند علی» نزدیک گردیده و ساز و کار آرامش محیطی را تبیین نماید. لازمۀ ساخت یک نظریه با صورت بندی فرآیند علی، دستیابی به مفاهیم و گزاره‌های مرتبط کننده مفاهیم با یکدیگر می‌باشد (Reynolds, 1971). این مفاهیم به کمک انجام مصاحبه‌ها (منابع اولیه) و نیز تعمق و کنکاش در متون مرتبط (منابع ثانویه) و تحلیل کیفی محتوای آنها به کمک روش نظریه زمینه‌ای، کدگذاری و تحلیل شده و مقوله‌های محوری از خلال کد گذاری‌های محوری بیرون کشیده شده است. پس از کشف مفاهیم، چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر بر مبنای تحلیل کیفی داده‌ها شناخته شده و با ایجاد ارتباط منطقی میان این مفاهیم، گزاره‌های تشکیل دهنده الگوی فرآیند علی آرامش محیطی خلق می‌گردد. این ارتباط به کمک تعمق در داده‌های موجود و تحلیل آنها و استنتاج و استنباط منطقی از آنها کشف می‌گردد. گزاره‌های حاصل از ارتباط میان مقوله‌ها، حلقه‌های فرآیند علی آرامش در خانه را شکل می‌دهند. استدلال منطقی نتایج تحلیل در گام نهایی، به تبیین مدل زمینه-مبنای آرامش در خانه‌های آپارتمانی معاصر ارومیه و تعیین مفاهیم و عوامل مؤثر بر این پیوند می‌انجامد.

محدوده مورد مطالعه

در پژوهش حاضر در مورد انتخاب محدوده مکانی، ارومیه یکی از شهرهای منطقه آذربایجان غربی که بسیاری از آثار آن تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته همچنین به دلیل واقع شدن محل زندگی محقق در این منطقه و آشنایی با فرهنگ و سن آن، به‌عنوان نمونه موردی در نظر

گرفته شده است. شهرستان ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی، در جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر در کنار دریاچه‌ای به همین نام قرار دارد. این شهر با مساحتی حدود ۶۰ کیلومتر مربع دارای موقعیت استقرار مناسب بوده و تقریباً در میانه استان واقع شده است. این شهر از جانب غرب با داشتن مرز مشترک با کشور ترکیه از موقعیت خاص جغرافیایی برخوردار بوده که اهمیت اقتصادی و سیاسی خاصی به این شهر داده است. از دیدگاه اقتصادی شهر حالت تجاری داشته و مرکز اصلی مبادله در استان آذربایجان غربی محسوب می‌گردد (قاسم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۹). موقعیت جغرافیای ارومیه و استقرار آن در مسیر جاده قفقاز- ارمنستان - بین‌النهرین و شاخه‌های فرعی راه شمالی - جنوبی جاده ابریشم، عاملی در ایجاد تنوع قومی فرهنگی ناحیه بوده است. ترکیب قومیت در قدیم: تفکیک اجتماعی در شهر کهن ارومیه همچون دیگر شهرهای ایران همانا تفکیک پیرامون مذاهب مختلف بود که محله یهودی‌نشین (کوچه یهودی‌ها) محله ارامنه و آشوری‌ها (کوچه یونجه‌زار و خیام و نوگنچر) از آن جمله‌اند. قومیت‌های فعلی شهر: در حال حاضر بیشتر ساکنان شهر پیرو دین اسلام هستند و بیش از ۶۰ درصد آن‌ها دارای مذهب شیعه اثنی عشری می‌باشند. کردهای ساکن در شهر نیز مسلمانان و تابع اهل سنت (شافعی و حنبلی) هستند. اقلیت‌های آشوری معتقد به مذهب کاتولیک و پروتستان و ارامنه به کلیسای گریگوری وابسته‌اند. اما یهودیان از شهر خارج شده‌اند. زبان‌های ترکی، کردی، آشوری و ارمنی، زبان‌های معمول امروز در ارومیه هستند (فرهنگ جغرافیای ارومیه، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۶). بافت شهر ارومیه از نظر قدمت به ۳ قسمت تقسیم می‌شود. هسته اولیه شهر که قدیمی‌ترین قسمت شهر است؛ در محدوده بازار قدیمی شهر قرار دارد. همزمان با مرکز استان شدن ارومیه، خیابانهای باکری، خیام و عسکرآباد از داخل این منطقه عبور کرده، محل استقرار مراکز اداری گردید. محدوده مرکزی شهر ارومیه دارای بافت فرسوده به مساحت ۲۱۵ هکتار می‌باشد.

- بافت میانی شهر نتیجه نبود کشش جمعیتی بافت مرکزی و ایجاد خیابانها و کوچه‌ها به دور هسته مرکزی شهر است. این قسمت بیشتر حاصل ساخت و سازهای دهه ۳۳ تا ۱۳ خورشیدی است. معماری این قسمت از شهر مشابه هسته مرکزی ولی با مصالح مدرن است. نشانه‌های خیابان بندی و کوچه‌های پهن تر از ویژگیهای بافت میانی است. بافت سوم شهر که به دور بافت میانی ایجاد شده عمدتاً در سال‌های پس از انقلاب و بیشتر در نتیجه مهاجرت به شهر ارومیه می‌باشد. این بافت در نتیجه تبدیل اراضی کشاورزی به مناطق مسکونی در شمالغرب و جنوب شهر ایجاد شده است (مهندسان مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۶: ۱۴).



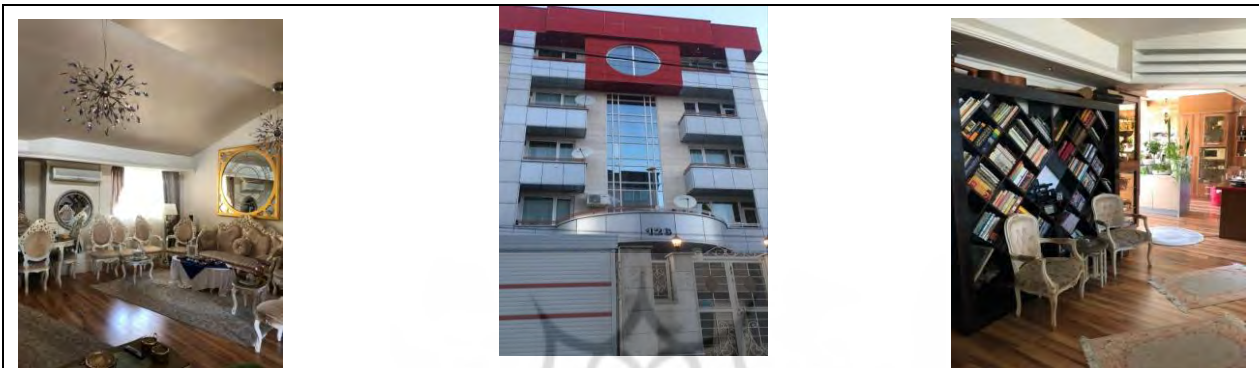
تصویر ۱- نقشه محدوده مورد بررسی و موقعیت آپارتمان‌ها در شهر ارومیه

در تحقیق حاضر نمونه‌های مورد بررسی، خانه‌های آپارتمانی ۳ الی ۶ طبقه در طبقه فرهنگی متوسط به بالا و قابل دسترس برای انجام مصاحبه با افراد ساکن در خانه می‌باشند.

لذا در این پژوهش دوران معاصر در محدوده زمانی دو دهه اخیر در نظر گرفته شده است (تصویر ۱ الی ۱۰). همچنین به دلیل محدودیت دسترسی و انتخاب آزادانه در نمونه‌های موردی تنها خانه‌هایی بررسی شدند که ساکنین اجازه ورود و انجام مصاحبه را دادند چرا که متأسفانه با شرایط موجود و به دلایل مختلف، مردم ما دچار بی اعتمادی شده و اعتقادی به شرکت در امر پژوهش ندارند. امید است در آینده و در پژوهش‌های آتی این مساله برطرف شود.

معرفی خانه‌های مورد بررسی

خانه شماره ۱: ارومیه، خیابان گلشهر، زمین‌های دادگستری کوی ده



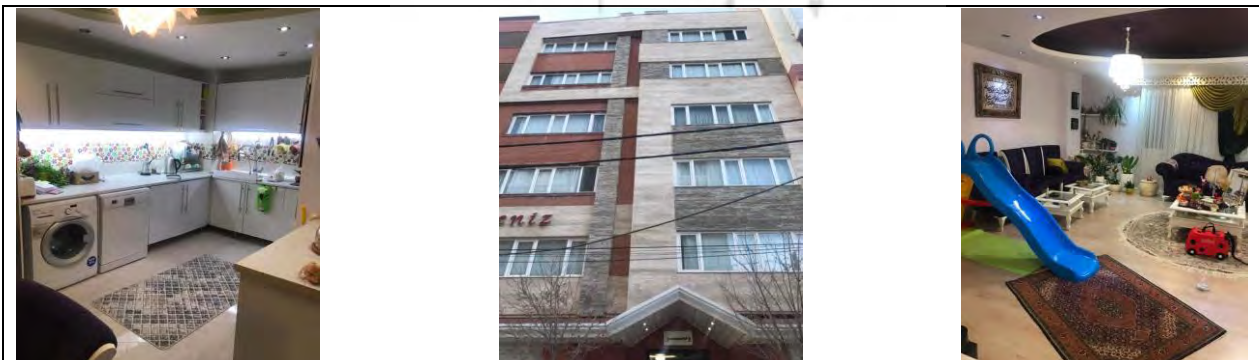
تصویر ۲- تصاویر مربوط به خانه شماره ۱ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۲: ارومیه، خیابان درستکار، کوی دو



تصویر ۳- تصاویر مربوط به خانه شماره ۲ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۳: ارومیه، خیابان شیخ تپه، فاز ۳ مهندسین کوچه اول



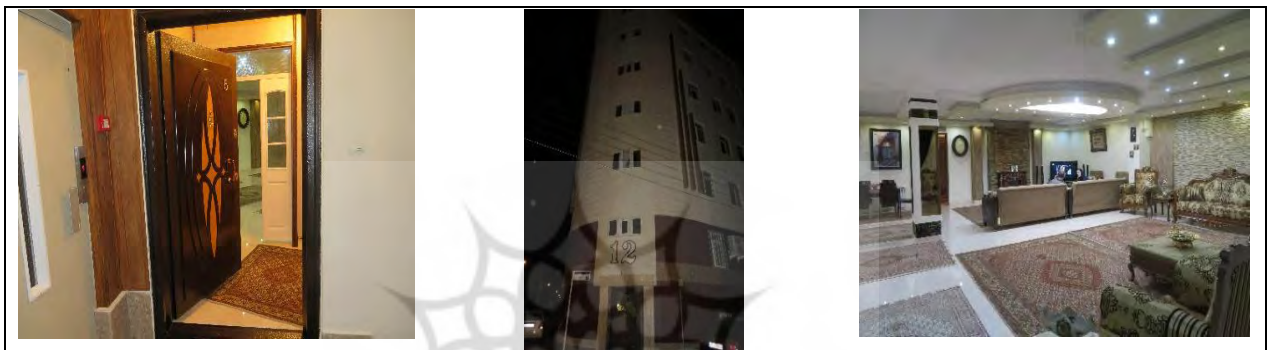
تصویر ۴- تصاویر مربوط به خانه شماره ۳ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۴: ارومیه، خیابان دانشکده، کوی اول کوچه سوم



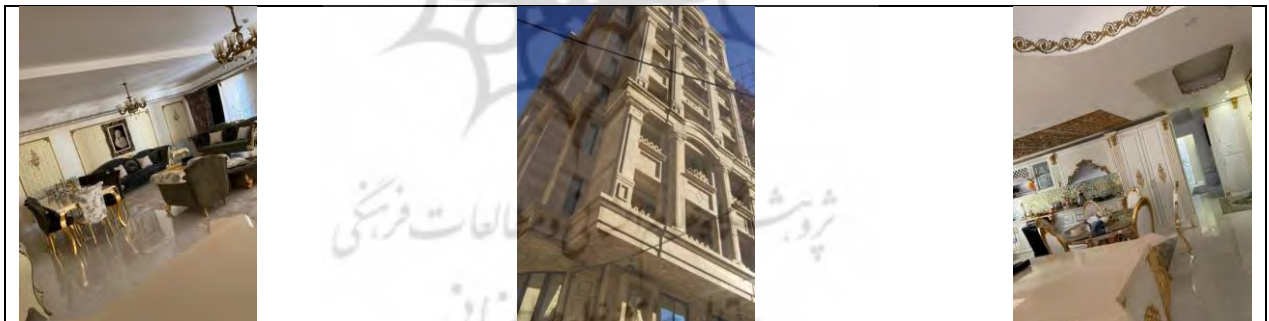
تصویر ۵- تصاویر مربوط به خانه شماره ۴ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۵: ارومیه، خیابان استادان، کوچه شهید دلجوئی، آپارتمان ۱۲



تصویر ۶- تصاویر مربوط به خانه شماره ۵ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۶: ارومیه، خیابان باقری، کوی چهار باران



تصویر ۷- تصاویر مربوط به خانه شماره ۶ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۷: ارومیه، خیابان شمس، آپارتمان سایه



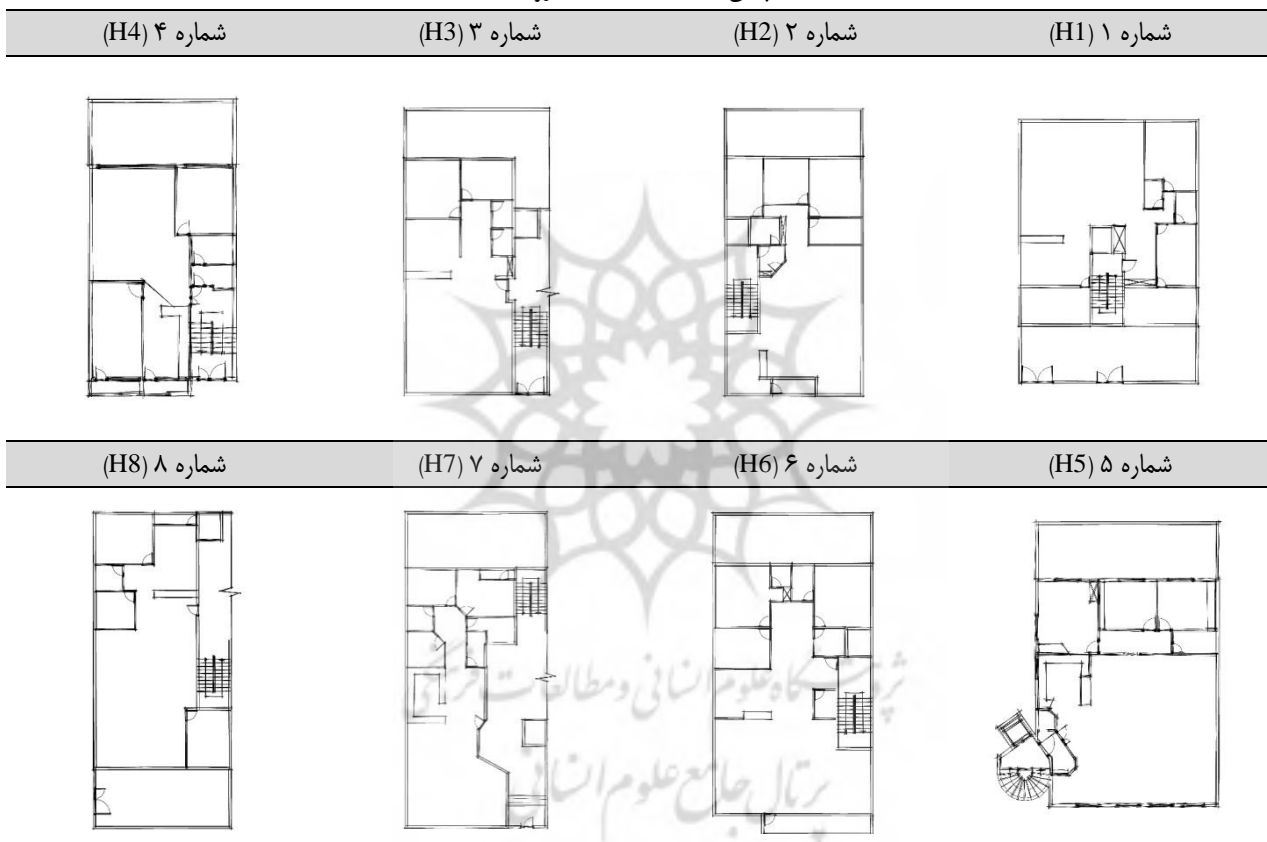
تصویر ۸- تصاویر مربوط به خانه شماره ۷ ارومیه (۱۳۹۷)

خانه شماره ۸: ارومیه، خیابان باکری



تصویر ۹- تصاویر مربوط به خانه شماره ۸ ارومیه (۱۳۹۷)

پلان شماتیک خانه‌های ارومیه



تصویر ۱۰- پلان شماتیک خانه‌های ارومیه (۱۳۹۷)

شیوه مصاحبه

در این پژوهش از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده و محقق برخی کنترل‌ها را بر روی جهت و محتوای مصاحبه نگه داشته است؛ در حالی که شرکت‌کنندگان بر روی شرح دادن و انتخاب جهت‌های جدید اما مرتبط آزاد بوده‌اند. در راستای ساختار دادن نسبی به تمامی مصاحبه‌ها، ضروری بوده است که پرسش‌نامه راهنمایی برای مصاحبه‌ها تدوین گردد. این پرسشنامه‌های راهنما تنها در اختیار پرسش‌گر بوده و به رؤیت مصاحبه‌شونده نرسیده است. پرسش‌های کلیدی راهنمای پژوهشگر در هدایت مصاحبه‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

مفهوم آرامش چیست؟ در میان خانه‌هایی که تاکنون مصاحبه‌شونده در آن‌ها زندگی کرده، آیا با خانه‌ای (خانه‌هایی) پیوند احساسی عمیقی برقرار کرده است؟ توصیف آن مکان‌ها از نظر مصاحبه‌شونده چگونه است؟ (از مصاحبه‌شونده خواسته شد که آن مکان (مکان‌ها را با جزئیات توصیف نماید؛ کجاست؟ شبیه چه است؟) علل آرامش و یا عدم آرامش برای مصاحبه‌شونده چیست؟ وجود چه چیزی (ویژگی در آن خانه، مصاحبه‌شونده را به آرامش می‌رساند)؟

مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

یکی از مسائلی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته و معمولاً در پژوهش‌های کیفی مورد توجه قرار می‌گیرد، انتخاب مشارکت‌کنندگان مناسب و به‌عبارت دیگر نمونه‌گیری است. زیرا هدف آن به‌جای تعمیم یافته‌ها، کسب درک عمیق از پدیده مورد بررسی است. با توجه به روش موردنظر در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها (نظریه زمینه‌ای)، در مرحله گردآوری داده کار نمونه‌گیری هدفمند به شکل نظری انجام گرفته است که در آن انتخاب مشارکت‌کنندگان با هدف کسب بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام گرفته است. با توجه به مشکلات انجام مصاحبه و عدم استقبال اکثریت مردم نسبت به امر پژوهش و مشکلات عدیده اجتماعی از جمله عدم اعتماد، عدم امکان ورود به خانه و...، در این پژوهش مشارکت‌کنندگان با روش گلوله برفی انتخاب شدند مصاحبه‌ها به‌صورت چهره به چهره صورت گرفته و اظهارات افراد با کسب اجازه از آن‌ها ضبط شد. در این پژوهش داده‌ها بر اساس مصاحبه با ۲۰ نفر از ساکنین آپارتمان‌های شهر ارومیه به‌دست آمده است. نمونه‌ها از میان کسانی انتخاب شدند که دست‌کم بالای ۲ سال سابقه سکونت در خانه فعلی خود را داشته باشند تا به ثبات نسبی در زمینه چگونگی تعامل با خانه رسیده باشند. همچنین تلاش شد تا نمونه‌ها به‌طور متعادلی هر دو گروه زنان و مردان را در برگیرند. نیز سعی شد انتخاب افراد از تمام بازه‌های سنی ۱۲ تا ۷۰ سال صورت گیرد تا طیف وسیعی از مشارکت‌کنندگان را پوشش دهد. در این بازه سنی، افراد استقلال نسبی داشته و ابعاد واقعی‌تری را در ارزیابی‌هایشان وارد می‌کنند (جدول ۲). ملاک تعیین کفایت مصاحبه‌ها در این پژوهش مانند سایر پژوهش‌های کیفی، اشباع نظری می‌باشد.

جدول ۲- مشخصات افراد مصاحبه شونده شهر ارومیه

خانه	شخص	جنسیت	سن	تعداد اعضای خانواده	تعداد افراد ساکن در خانه	سنوات سکونت در این خانه	تعداد خانه‌هایی که سکونت داشته
H1	P1	مذکر	۴۰	۳	۳	۶	۳
	P2	مؤنث	۳۶	۳	۳	۶	۲
H2	P3	مؤنث	۳۴	۳	۳	۸	۶
	P4	مذکر	۳۹	۳	۳	۸	۸
H3	P5	مذکر	۳۲	۳	۳	۶	۳
	P6	مؤنث	۲۹	۳	۳	۶	۲
H4	P7	مؤنث	۱۵	۴	۴	۱۴	۲
	P8	مذکر	۴۹	۴	۴	۱۴	۶
	P9	مؤنث	۴۰	۴	۴	۱۴	۶
H5	P10	مؤنث	۶۱	۴	۲	۷	۴
	P11	مذکر	۵۵	۴	۲	۷	۵
H6	P12	مذکر	۴۱	۴	۴	۵	۶
	P13	مذکر	۱۵	۴	۴	۵	۲
	P14	مؤنث	۳۵	۴	۴	۵	۵
H7	P15	مذکر	۵۴	۴	۴	۳	۹
	P16	مؤنث	۴۴	۴	۴	۳	۸
	P17	مؤنث	۱۲	۴	۴	۳	۳
H8	P18	مؤنث	۶۹	۸	۳	۳	۶
	P19	مذکر	۷۰	۸	۳	۳	۸
	P20	مؤنث	۴۸	۸	۳	۳	۴

بحث و یافته‌های تحقیق

بر اساس روش تحقیق زمینه‌ای، نظریه‌پردازی در سه گام اصلی انجام شده است که در گام اول پس از انجام مصاحبه با ۲۰ نفر از ساکنین آپارتمان‌های شهر ارومیه، متون مصاحبه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و با استفاده از نرم‌افزار MaxQda کدگذاری باز انجام شد و نتایج حاصل به‌صورت مفاهیم و مقوله مرتبط با آرامش استخراج شد (جدول ۳). سپس در کدگذاری محوری با استفاده از یک مدل زمینه-مبنا (مدل الگویی) رابطه علت و معلولی بین مقوله‌ها تبیین شده است (نمودار ۲).

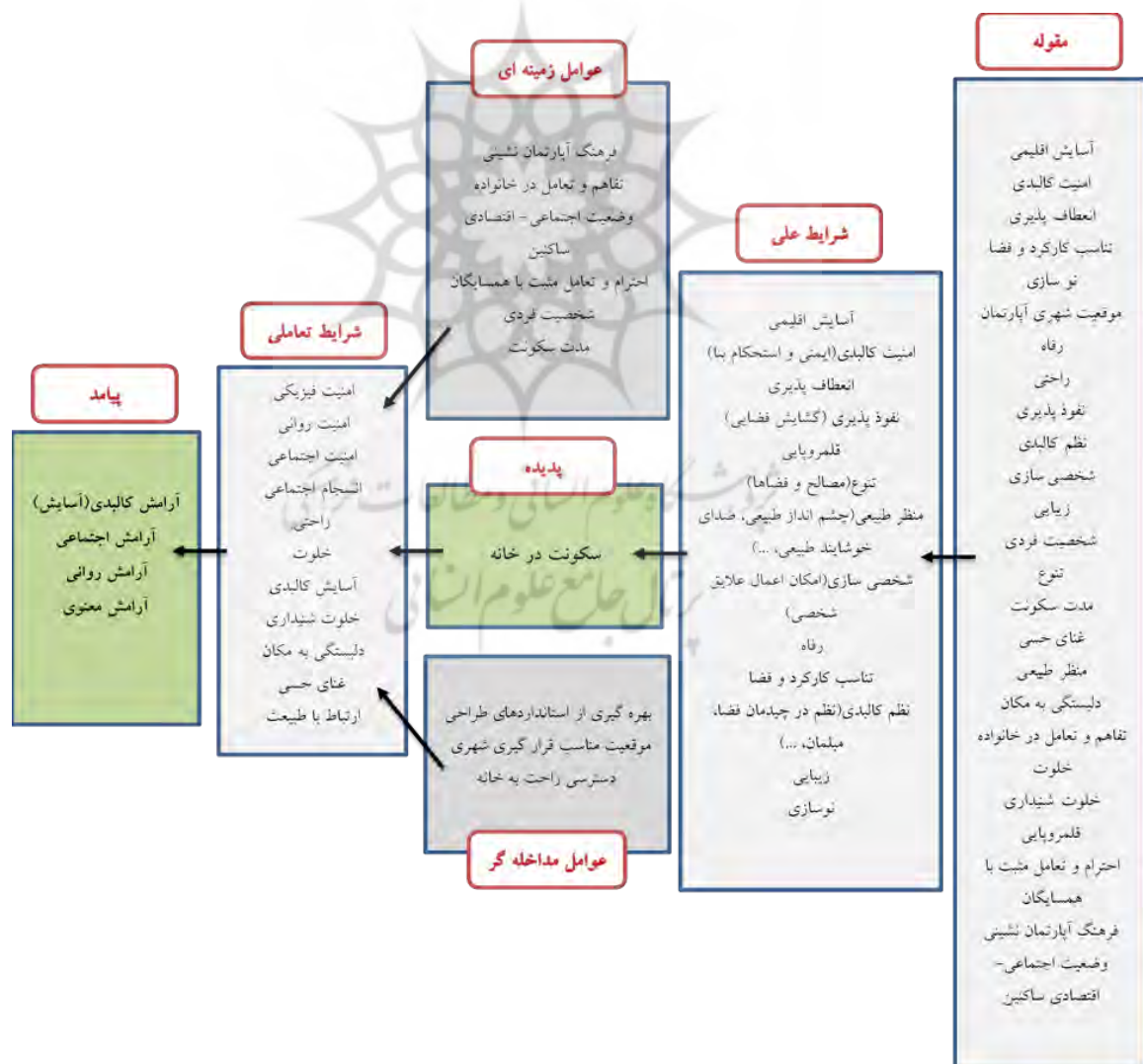
جدول ۳- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از تحلیل مصاحبه‌ها به روش نظریه زمینه‌ای

مقوله (کدهای محوری)	مفاهیم (کدهای باز)	کد مصاحبه‌ها
آسایش کالبدی (اقلیمی)	استفاده از نور طبیعی در فضاها، تهویه مناسب، تعبیه داکت‌های مجزا برای هر واحد، اجرای صحیح سرویس‌های بهداشتی، سیستم گرمایش و سرمایش مناسب	P1, P2, P3, P4, P5, P6, P8, P9, P11, P14, P15, P16, P19, P20
امنیت کالبدی	ایمنی، استحکام بنا	P5, P8, P9, P11, P14, P15, P16, P18, P19, P20
انعطاف‌پذیری	امکان جابجا کردن فضاها، امکان جابجا کردن مبلمان	P2, P6, P7, P9, P13, P14, P16, P17, P20
تناسب کارکرد و فضا	متناسب با ابعاد انسانی، ابعاد مناسب فضا، بهره‌گیری از استانداردهای طراحی	P1, P4, P5, P6, P8, P9, P11
نو سازی	تازه ساخت، ساخت جدید	P1, P2, P4, P6, P7, P9, P10, P12, P13, P14, P16, P17, P20
موقعیت شهری آپارتمان	موقعیت قرارگیری خانه، دسترسی مناسب	P1, P3, P4, P5, P6, P8, P9, P11, P12, P14, P15, P19, P20
رفاه	تسهیلات و امکانات به روز، استفاده از امکانات جدید، در نظر گرفتن پارکینگ متناسب با تعداد خودروها	P1, P2, P3, P4, P5, P6, P8, P10, P11, P12, P14, P15, P16, P20
راحتی	راحتی، استراحت	P1, P3, P4, P5, P8, P11, P12, P15, P19, P20
نفوذپذیری	آشپزخانه دل‌باز، هال و پذیرایی دل‌باز، وسعت فضا، گشایش فضایی	P2, P6, P7, P9, P10, P14, P15, P16, P17, P20
نظم کالبدی	جاگذاری مناسب فضا، نظم در چیدمان فضا و مبلمان، وجود انبار مناسب برای نظم دهی به وسایل اضافی	P2, P6, P8, P9, P10, P11, P12, P15, P16, P18
شخصی سازی	علائق شخصی در ساخت خانه	P2, P4, P5, P6, P7, P9, P13, P14, P16, P17
زیبایی	هماهنگی تزئینات، رنگ آمیزی داخلی خانه	P2, P3, P6, P7, P9, P10, P13, P14, P16, P17
شخصیت فردی	رابطه با خدا، شخصیت آرام	P4, P8, P10, P11, P15, P18, P20
تنوع	استفاده از مصالح متنوع، تنوع فضاها	P3, P6, P12, P14
مدت سکونت	مدت زمان سکونت، تعداد سال‌های زندگی در خانه	P1, P8, P10, P11, P15, P18, P19, P20
غناى حسی	استفاده از فضاهاى باز مناسب مانند بالکن و حیاط	P2, P6, P7, P8, P10, P11, P12, P13, P14, P15, P17, P19, P20
منظر طبیعی	استفاده از گل و گیاه، صدای ملایم آب و پرندگان	P2, P6, P7, P10, P14, P16, P17, P18, P20
دل‌بستگی به مکان	وابستگی به مکان، پدر و مادر، خاطره، خانه پدری، خانه کودکی، خانه همسر	P1, P5, P6, P7, P8, P9, P10, P11, P13, P14, P15, P17, P18, P19, P20
تفاهم و تعامل در خانواده	اهمیت فرزندان، اهمیت جمع بودن، احترام گذاشتن به خانواده، صفا و صمیمیت، صبوری، گذشت، شاد بودن، خوشحال بودن	P1, P2, P5, P6, P7, P8, P9, P10, P11, P13, P14, P15, P17, P18, P19
احترام و تعامل مثبت با همسایگان	رابطه با همسایگان، آداب معاشرت، خوش رفتاری، احترام گذاشتن به همسایگان، رعایت حریمت	P1, P5, P6, P8, P9, P10, P11, P14, P15, P16, P18, P19

کد گذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها	مقوله (کدهای محوری)	کد مصاحبه‌ها
مکان‌های شخصی، استقلال، حریم خصوصی، دور از چشم مهمان، مکان دنج، اتاق شخصی	خلوت	P3, P4, P6, P7, P8, P9, P13, P14, P16, P17, P20
سکوت، دور از سر و صدای ساخت‌وساز، دور از سروصدای ماشین‌ها، دور از سر و صدای خیابان	خلوت شنیداری	P1, P3, P4, P5, P6, P7, P8, P9, P11, P12, P15, P16, P19, P20
امنیت روانی، تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی	قلمروپایی	P2, P3, P4, P8, P9, P10, P11, P12, P14, P15, P16, P20
سطح اجتماعی همسایگان، رعایت فرهنگ آپارتمان‌نشینی	فرهنگ آپارتمان‌نشینی	P2, P3, P4, P5, P9, P10, P11, P12, P14, P20
مالکیت، سرپناه خود را داشتن، وضعیت معیشت خانواده	وضعیت اجتماعی- اقتصادی ساکنین	P3, P4, P5, P6, P9, P10, P14, P15, P16, P18, P19, P20

مدل زمینه-مبنا

در این مرحله با اتکاء به مدل زمینه-مبنا (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵)، رابطه علت و معلولی بین مقوله‌ها تبیین شده است. از نظر ساکنین پدیده اصلی سکونت در خانه تحت تاثیر سه شرایط علی، زمینه ای و تعاملی به وجود آمده‌اند.



نمودار ۲- مدل زمینه-مبنای آرامش

در آن شرایط علی شامل: آسایش اقلیمی، امنیت کالبدی (ایمنی و استحکام بنا)، انعطاف پذیری، نفوذ پذیری (گشایش فضایی)، قلمروپایی، تنوع (مصالح و فضاها)، منظر طبیعی (چشم‌انداز طبیعی، صدای خوشایند طبیعی، ...)، شخصی سازی (امکان اعمال علایق شخصی)، رفاه، تناسب کارکرد و فضا (ابعاد مناسب فضا)، نظم کالبدی (نظم در چیدمان فضا، مبلمان، ...)، زیبایی و نوسازی می‌باشد و عوامل زمینه ای شامل: فرهنگ آپارتمان نشینی، تفاهم و تعامل در خانواده، وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنین، احترام و تعامل مثبت با همسایگان، شخصیت افراد و مدت سکونت در خانه می‌باشد و همچنین شرایط تعاملی شامل: امنیت فیزیکی، امنیت روانی، امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، راحتی، خلوت، آسایش کالبدی، امنیت شنیداری، دلبستگی به مکان، غنای حسی، ارتباط با طبیعت می‌باشد. به وجود آمدن این شرایط به واسطه عوامل مداخله گر شامل: بهره گیری از استانداردهای طراحی و موقعیت مناسب قرار گیری شهری بوده است و همه این عوامل پیامدهایی چون آرامش کالبدی (آسایش)، آرامش اجتماعی، آرامش روانی و آرامش معنوی را به دنبال خواهد داشت. نتایج بدست آمده در نمودار ۲ آمده است.

نتیجه گیری

مروری بر پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم آرامش می‌تواند به شکل‌های گوناگون تفسیر شود و متخصصان مختلفی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به تأثیر ویژگی‌های مختلف در ایجاد آرامش اشاره کرده‌اند، ولی دسته‌بندی این ویژگی‌ها و همچنین مفاهیم مستخرج از تحلیل متون مرتبط با مفهوم آرامش بر اساس مدل زمینه-مبنا، از نوآوری‌های اساسی این پژوهش می‌باشد. تأمل در مفاهیم مطرح شده به‌عنوان یافته‌های پژوهش، این حقیقت را روشن ساخت که این مفاهیم مستقل از یکدیگر نبوده و بر روی یکدیگر تأثیرگذار می‌باشند. پس از کشف مفاهیم، چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر بر مبنای تحلیل کیفی داده‌ها شناخته شد و همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص شده است با ایجاد ارتباط منطقی میان این مفاهیم، مدل زمینه-مبنای آرامش در خانه‌های آپارتمانی معاصر ارومیه ارائه گردید. مطابق نتایج این پژوهش، شرایط مؤثر بر شکل‌گیری پدیده اصلی «سکونت در خانه»، تابع شرایط علی، زمینه‌ای و تعاملی مرتبط می‌باشند؛ لذا امنیت فیزیکی، امنیت روانی، امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، راحتی، خلوت، آسایش کالبدی، امنیت شنیداری، دلبستگی به مکان، غنای حسی، ارتباط با طبیعت، به‌عنوان شرایط تعاملی و ارائه راهکارهایی همچون ایجاد آسایش اقلیمی، امنیت کالبدی (ایمنی و استحکام بنا)، انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری (گشایش فضایی)، قلمروپایی، تنوع (مصالح و فضاها)، منظر طبیعی (چشم‌انداز طبیعی، صدای خوشایند طبیعی، ...)، شخصی سازی (امکان اعمال علایق شخصی)، رفاه، تناسب کارکرد و فضا (ابعاد مناسب فضا)، نظم کالبدی (نظم در چیدمان فضا، مبلمان و ...)، زیبایی و نوسازی، برای اغنای این کیفیات در ۴ حوزه معنوی، روانی، اجتماعی و فیزیکی، می‌تواند منجر به ایجاد و یا ارتقای مفهوم آرامش در ساکنان گردد. نیز عدم حضور و یا کم‌رنگ شدن هر یک از این عوامل می‌تواند موجب سلب و یا تضعیف آرامش در ساکنان گردد. نتایج این پژوهش، طراحان را در دستیابی به راهکارهای کالبدی برای ایجاد آرامش و نیل به اصولی برای خلق خانه‌های آرامش‌بخش سوق می‌دهد، در این صورت می‌توان امیدوار به خلق آپارتمان‌هایی بود که آرامش ساکنان خود را در پی داشته و به سکینه خاطر انسان در خانه که هدف نهایی از سکنی‌گزیدن است، یاری می‌رساند.

پی نوشت

۱. معادل Grounded Theory (محمدمهدی، ۱۳۹۰).

منابع

- احمدی، ع. (۱۳۹۷). روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.
- استراوس، ا.، کوربین، ج. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها. (بیوک محمودی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- آقالطیفی، آ. (۱۳۹۱). انسان و خانه: تبیین الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران، پایان نامه دکتری، تهران.
- فرهنگ جغرافیای ارومیه. (۱۳۷۶). انتشارات سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران.
- قاسم پور، د. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی در ارومیه، جلد ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- محمد پور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: جامعه‌شناسان.
- مهندسین مشاور طرح و آمایش (۱۳۸۶). طرح جامع شهر ارومیه، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی.
- Berto, R. (2005). Exposure to restorative environments helps restore attentional capacity. *Journal of environmental psychology*, 25 (3), 249-259.

- Bradley, E. (1995). Religious involvement and social resources: evidence from the data set "Americans' changing lives". *Journal for the scientific study of Religion*, 259-267.
- Ellison, C. G., Burdette, A. M., & Hill, T. D. (2009). Blessed assurance: Religion, anxiety, and tranquility among US adults. *Social Science Research*, 38 (3), 656-667.
- Farhang-e-Geography-Urmia. (1376). Publications of the Geographical Organization of the Ministry of Defense and Support of the Armed Forces, Tehran: 25-26.
- Gusnard, D.A., Akbudak, E., Shulman, G.L., Raichle, M.E., (2001). Medial prefrontal cortex and self-referential mental activity: Relation to a default mode of brain function. *Proceedings of the National Academy of Science USA* 98, 4259-4264.
- Harvey, D., (1990). *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origins of Cultural Change*. Blackwell, Cambridge MA.
- Herzog, T. R., & Barnes, G. J. (1999). Tranquility and preference revisited. *Journal of environmental psychology*, 19 (2), 171-181.
- Herzog, T. R., & Bosley, P. J. (1992). Tranquility and preference as affective qualities of natural environments. *Journal of environmental psychology*, 12 (2), 115-127.
- Herzog, T. R., Gray, L. E., Dunville, A. M., Hicks, A. M., & Gilson, E. A. (2011). Preference and tranquility for houses of worship. *Environment and Behavior*, 45 (4), 504-525.
- Hewlett, D., Harding, L., Munro, T., Terradillos, A., & Wilkinson, K. (2017). Broadly engaging with tranquillity in protected landscapes: A matter of perspective identified in GIS. *Landscape and Urban Planning*, 158, 185-201.
- Hunter, M. D., Eickhoff, S. B., Pheasant, R. J., Douglas, M. J., Watts, G. R., Farrow, T. F., . . . Horoshenkov, K. V. (2010). The state of tranquility: Subjective perception is shaped by contextual modulation of auditory connectivity. *Neuroimage*, 53 (2), 611-618.
- Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*: CUP Archive.
- Kaplan, S. (1995). The restorative benefits of nature: Toward an integrative framework. *Journal of environmental psychology*, 15 (3), 169-182.
- Kaplan, S. (2001). Meditation, restoration, and the management of mental fatigue. *Environment and Behavior*, 33 (4), 480-506.
- Koenig, Harold G., McCullough, Michael, Larson, David B. (2001). *Handbook of Religion and Health*. Oxford University Press, New York.
- Lefebvre, H. (1991). The production of space. trans. D. Nicholson-Smith. Malden: Oxford and Carlton: Blackwell Publishing.
- Marafa, L., Watts, G., & Chan, S. W. (2013). *Factors affecting the perceptions of tranquil spaces in Hong Kong*. Paper presented at the INTER-NOISE and NOISE-CON Congress and Conference Proceedings.
- Minooei, F., Foroutan, M., Soroush, M., Aghalatifi, A. (2020). *Environmental tranquility: A conceptual framework and urban architectural features*. *Space Ontology International Journal*, 9 (3), 1-14.
- Pheasant, R. J., Fisher, M. N., Watts, G. R., Whitaker, D. J., & Horoshenkov, K. V. (2010). The importance of auditory-visual interaction in the construction of 'tranquil space'. *Journal of environmental psychology*, 30 (4), 501-509.
- Reynolds, P. (1971). *A Primer in Theory Construction*. The Bobbs-Merrill Company. Inc., Indianapolis, IN.
- Russell, J. A., & Snodgrass, J. (1987). Emotion and the environment. *Handbook of environmental psychology*, 1 (1), 245-281.
- Shreve-Neiger, A. K., & Edelstein, B. A. (2004). Religion and anxiety: A critical review of the literature. *Clinical psychology review*, 24 (4), 379-397.
- Ulrich, R. S., Simons, R. F., Losito, B. D., Fiorito, E., Miles, M. A., & Zelson, M. (1991). Stress recovery during exposure to natural and urban environments. *Journal of environmental psychology*, 11 (3), 201-230.

- Watts, G. (2018). Tranquillity Trails for urban areas. *Urban forestry & urban greening*, 29, 154-161.
- Watts, G., & Marafa, L. (2017). Validation of the tranquillity rating prediction tool (TRAPT): comparative studies in the UK and Hong Kong. *Noise Mapping*, 4 (1), 67-74.
- Watts, G. R., & Pheasant, R. J. (2013). Factors affecting tranquillity in the countryside. *Applied Acoustics*, 74 (9), 1094-1103.
- Watts, G. R., & Pheasant, R. J. (2014). Factors associated with tranquility in the Scottish Highlands and Dartmoor National Park, Proceedings of the Institute of Acoustics. 36.
- Watts, G. R., Pheasant, R. J., & Horoshenkov, K. V. (2011). Predicting perceived tranquillity in urban parks and open spaces. *Environment and Planning B: planning and design*, 38 (4), 585-594.



Developing a grounded-based model of tranquility in contemporary apartments in Urmia City

Farnoosh Minooei, Ph.D. Graduate in Architecture, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Manouchehr Foroutan, Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (m.foroutan@iauh.ac.ir)

Mohammadmehdi Soroush, Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Azadeh Aghalatifi, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 2021/05/17

Accepted: 2021/10/16

Extended abstract

Introduction: Stressful life and lack of tranquility in modern society have been serious problems for human life. Environmental psychology has shown that physical and architectural environments play an essential role. Since the home is one of the most critical environments, they offer solutions. This study tries to identify the factors that play an influential role in creating comfort in urban apartments.

Methodology: The research method based on Saunders's model is the epistemological paradigm. A qualitative approach has been taken to recognize the influencing features on human tranquility in contemporary apartment houses. It attempts to make logical connections between related concepts, approaches the theory by forming a "causal process," and determines the mechanism of the concept of environmental tranquility, and "contextual theory" has assisted in identifying these concepts. After discovering the concepts, qualitative data analysis was used to find their relationship. By creating a logical relationship between the concepts, the propositions shaping the tranquility causal process pattern in Urmia contemporary apartment houses are presented. After discovering the concepts, how they relate to each other is known based on qualitative data analysis. A paradigm model of tranquility in contemporary apartment houses in Urmia is presented by creating a logical relationship between these concepts.

Results: According to the results of this study, the conditions affecting the formation of the primary phenomenon of "living at home" are subject to causal, contextual, and interactive conditions such as physical security, mental security, social security, social cohesion, comfort, solitude, physical comfort, auditory security, attachment to the place, sensory richness, connection with nature, consequences will be followed by physical tranquility (comfort), social tranquility, psychological tranquility, and spiritual tranquility.

Conclusion: Therefore, physical security, mental security, social security, social cohesion, comfort, privacy, physical comfort, auditory security, attachment to place, sensory richness, communication with nature, as interactive conditions and providing solutions such as creating climate comfort, physical security (safety and Building strength), flexibility, permeability (spatial opening), territory, diversity (materials and spaces), natural landscape (natural landscape, pleasant natural sound), personalization (possibility of personal interests), welfare, functionality, and space (Appropriate dimensions of space), physical order (order in the arrangement of space, and furniture), beauty and renovation, to enrich these qualities in 4 areas: spiritual, psychological, social and physical, can lead to the creation or promotion of the concept of tranquility in Residents become cured. Also, the absence or diminution of any of these factors can deprive or weaken the tranquility of residents. This study leads designers to achieve physical solutions to create comfort and achieve principles for creating tranquil homes, in which case one can hope to create apartments that bring comfort to their residents and the comfort of the human being in the home. As base research, this study can be used for more practical research to provide solutions to promote tranquility at apartments in various fields, including architecture and urban planning.

Keywords: Contemporary apartment house, Urmia, Environmental tranquility, Paradigm model, Causal process, Contextual theory.